

دعا عیسی برای شاگردان

¹These words spake Jesus, and lifted up his eyes to heaven, and said, Father, the hour is come; glorify thy Son, that thy Son also may glorify thee: ²As thou hast given him power over all flesh, that he should give eternal life to as many as thou hast given him. ³And this is life eternal, that they might know thee the only true God, and Jesus Christ, whom thou hast sent. ⁴I have glorified thee on the earth: I have finished the work which thou gavest me to do. ⁵And now, O Father, glorify thou me with thine own self with the glory which I had with thee before the world was. ⁶I have manifested thy name unto the men which thou gavest me out of the world: thine they were, and thou gavest them me; and they have kept thy word. ⁷Now they have known that all things whatsoever thou hast given me are of thee. ⁸For I have given unto them the words which thou gavest me; and they have received them, and have known surely that I came out from thee, and they have believed that thou didst send me. ⁹I pray for them: I pray not for the world, but for them which thou hast given me; for they are thine. ¹⁰And all mine are thine, and thine are mine; and I am glorified in them. ¹¹And now I am no more in the world, but these are in the world, and I come to thee. Holy Father, keep through thine own name those whom thou hast given me, that they may be one, as we are. ¹²While I was with them in the world, I kept them in thy name: those that thou gavest me I have kept, and none of them is lost, but the son of perdition; that the scripture might be fulfilled. ¹³And now come I to thee; and these things I speak in the world, that they

¹عیسی چون این را گفت، چشمان خود را به طرف آسمان بلند کرده، گفت: ای پدر، ساعت رسیده است. پسر خود را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد. ²همچنان که او را بر هر بشری قدرت داده‌ای تا هر چه بدو داده‌ای به آنها حیات جاودانی بخشد. ³و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند. ⁴من بر روی زمین تو را جلال دادم و کاری را که به من سپردی تا بکنم، به کمال رسانیدم. ⁵و الآن تو ای پدر، مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم.

⁶اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا کردی ظاهر ساختم. از آن تو بودند و ایشان را به من دادی و کلام تو را نگاه داشتند. ⁷و الآن دانستند آنچه به من داده‌ای از نزد تو می‌باشد. ⁸زیرا کلامی را که به من سپردی، بدیشان سپردم و ایشان قبول کردند و از روی یقین دانستند که از نزد تو بیرون آمدم و ایمان آوردند که تو مرا فرستادی. ⁹من بجهت اینها سؤال می‌کنم و برای جهان سؤال نمی‌کنم، بلکه از برای کسانی که به من داده‌ای، زیرا که از آن تو می‌باشند. ¹⁰و آنچه از آن من است از آن تو است و آنچه از آن تو است از آن من است و در آنها جلال یافته‌ام. ¹¹بعد از این در جهان نیستم اما اینها در جهان هستند و من نزد تو می‌آیم. ای پدر قدّوس، اینها را که به من داده‌ای، به اسم خود نگاه دار تا یکی باشند چنانکه ما هستیم. ¹²مادامی که با ایشان در جهان بودم، من ایشان را به اسم تو نگاه داشتم، و هر کس را که به من داده‌ای حفظ نمودم که یکی از ایشان هلاک نشد، مگر پسر هلاکت تا کتاب تمام شود. ¹³و اما الآن نزد تو می‌آیم. و این را در جهان می‌گویم تا خوشی مرا در خود کامل داشته باشند. ¹⁴من کلام تو را به ایشان دادم و جهان ایشان را دشمن داشت زیرا که از جهان نیستند، همچنان که من نیز از جهان نیستم. ¹⁵خواهش نمی‌کنم که ایشان را از جهان ببری، بلکه تا ایشان را از شریر نگاه داری. ¹⁶ایشان از جهان نیستند چنانکه من از جهان نمی‌باشم. ¹⁷ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی

might have my joy fulfilled in themselves.¹⁴ I have given them thy word; and the world hath hated them, because they are not of the world, even as I am not of the world.¹⁵ I pray not that thou shouldest take them out of the world, but that thou shouldest keep them from the evil.¹⁶ They are not of the world, even as I am not of the world.¹⁷ Sanctify them through thy truth: thy word is truth.¹⁸ As thou hast sent me into the world, even so have I also sent them into the world.¹⁹ And for their sakes I sanctify myself, that they also might be sanctified through the truth.²⁰ Neither pray I for these alone, but for them also which shall believe on me through their word;²¹ That they all may be one; as thou, Father, art in me, and I in thee, that they also may be one in us: that the world may believe that thou hast sent me.²² And the glory which thou gavest me I have given them; that they may be one, even as we are one:²³ I in them, and thou in me, that they may be made perfect in one; and that the world may know that thou hast sent me, and hast loved them, as thou hast loved me.²⁴ Father, I will that they also, whom thou hast given me, be with me where I am; that they may behold my glory, which thou hast given me: for thou lovedst me before the foundation of the world.²⁵ O righteous Father, the world hath not known thee: but I have known thee, and these have known that thou hast sent me.²⁶ And I have declared unto them thy name, and will declare it: that the love wherewith thou hast loved me may be in them, and I in them.

است.¹⁸ همچنان که مرا در جهان فرستادی، من نیز ایشان را در جهان فرستادم.¹⁹ و بجهت ایشان من خود را تقدیس می‌کنم تا ایشان نیز در راستی، تقدیس کرده شوند.²⁰ و نه برای اینها فقط سؤال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد.²¹ تا همه یک گردند چنانکه تو، ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی.²² و من جلالت را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم.²³ من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی.²⁴ ای پدر، می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی.²⁵ ای پدر عادل، جهان تو را نشناخت، اما من تو را شناختم؛ و اینها شناخته‌اند که تو مرا فرستادی.²⁶ و اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نموده‌ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.